

درس دوازدهم:

امید دیدار

۱-روز: تکرار

مرجع وی: روز جدایی

نکته مهم: در گذشته به جای ضمیر آن از ضمیر او یا وی استفاده می کردند.

۲- فرقت: جدایی

تلخ بودن فرقت کنایه از ناراحت کننده بودن / حس آمیزی

شیرین بودن امید دیدار کنایه از دل چسب بودن / حس آمیزی

تلخ و شیرین:مراعات نظیر و تضاد

مرجع ضمیر او در مصراع دوم: روز جدایی

۳- خوش است : لذت بخش است

مفهوم این بیت با بیت قبل یکسان است.

۴-چه باشد:سهل و آسان است

تیمار: غم و اندوه (تیمار خوردن: غم خوردن)

دیدار: چهره (ویژگی سبکی) این کلمه دچار تحوّل معنایی شده است.

صد سال: بر مفهوم کثرت دلالت دارد و به معنی زمان بسیار به کار رفته است. با یک روز دارای تضاد می باشد.

را در مصراع دوم رای فکّ اضافه است.

رای فکّ اضافه بین مضاف و مضاف الیه فاصله می اندازد. در این حالت ابتدا مضاف الیه و سپس مضاف می آید. (دوست را دیدار = دیدار دوست)

۵- دلبر: معشوق و محبوب

نوش: شهد و شیرینی؛ گاه واژه ی «نوش» به تنهایی به معنای «گوارا باد» به کار می رود که در صورت اخیر فعل امر است.

نوش خوردن کنایه از شادمان بودن

نوش خوردن و تیمار خوردن باهم تضاد دارند.

یک ساله و صد ساله : تضاد و تناسب

۶- دل مجاز از انسان

کم در هر دو مصراع به معنی کمتر است و جانشین صفت تفضیلی است. و دارای آرایه ی تکرار است.

گلستان نماد گذرا بودن و ناپایداری روزگار

نه در هر دو مصراع از اجزای صرفی فعل است و برای تاکید آمده است. (نیستی).

.....

۷- گل در مصراع اوّل مجاز از نهال گل است.

چه مایه: چه مقدار، بسیار زیاد

این بیت و بیت های بعدی دارای آرایه ی تمثیل است. ماجرای باغبان و گل تمثیلی است بر محافظت از عشق.

بکارد و برآرد: جناس ناقص

باغبان و گل و بکارد: مراعات نظیر

بیت دارای پرسش تأکیدی است.

.....

۸- روز و شب: تناسب و تضاد / خورد: مصدر مرخم است به معنی خوردن و خوراک

پیراید: از مصدر پیراستن به معنی اصلاح کردن برای زیبایی (برای گل به معنی هرس کردن)

بی خورد و بی خواب کنایه از سختی کشیدن

مفهوم: تحمل سختی های راه عشق

.....

۹- مرجع ضمیر او در هر دو مصراع: گل است. (به توضیحات بیت اول توجه کنید).

رمیده: گریخته، فرار کرده،

خلیده: از مصدر خلیدن به معنی: زخمی، زخمی شده

بیت دارای آرایه ی ترصیع است.

۱۰- مرجع اوهمانند بیت قبل گل است.

مفهوم: تحمل رنج و سختی برای رسیدن به هدف

.....

۱۱- طرب: شادی

این بیت و دو بیت بعدی تمثیل دیگری است برای مفهوم سختی کشیدن در راه عشق و محافظت از عشق.

نبینی: نمی بینی (پرسش تأکیدی).

.....
۱۲- شب و روز تضاد و تناسب / آب و دانه: تناسب

عود: درختی که از سوزاندن چوب آن بوی خوشی پراکنده می شود.

ساج: درختی که چوب آن بسیار مرغوب است. / عود و ساج: مراعات نظیر/دانه و خانه: جناس ناقص .

کند: می سازد.

.....
۱۳- بدو: به او / کش: خوش، خرم / خوش در این باید خش خوانده شود تا با کش بتواند هم قافیه شود.

.....
۱۴- تا برآید ماه و خورشید: کنایه از تا ابدیت، تا روزگار باقی است.

برآید، ماه و خورشید: تناسب

.....
۱۵- را در این بیت رای فک اضافه است.(مرا در دل - یعنی - در دل من) / مرجع ضمیر "م": ویس.

درخت مهربانی: اضافه ی تشبیهی / درخت، سرو، بوستان: مراعات نظیر / مهربانی به سرو تشبیه شده است: مهربانی: مشبّه / سرو: مشبّه به/ماند: از ریشه مانستن: شبیه و مانند است -> ادات تشبیه / سرو در ادب فارسی نماد سرسبزی و تازگی و طراوت است/دل مجاز از وجود/ مفهوم اصلی این بیت بیان جاودانگی عشق در وجود عاشق است.

.....
۱۶- شاخ و برگ: مراعات نظیر / سرما و گرما: جناس، تضاد و تناسب / واج آرایی صامت های ش و گ / بیت دارای آرایه ی ترصیع است / آرایه تکرار: نه، گردد، روز/نه برای تاکید در ابتدای هر دو مصرع آمده است.

.....
۱۷- هر روزش بهار است: تشبیه (هرروز: مشبّه - بهار: مشبّه به) و کنایه از سرسبزی و تازگی

نغز: خوش، لطیف / آبدار: باطراوت / سبز و بهار: مراعات نظیر

.....

۱۸- درخت مهربانی: اضافه تشبیهی / درخت، گلزار و خزان: تناسب / مهربانی به خزان تشبیه شده است / مانند گلزار خزان بودن: کنایه از پژمرده بودن / دل مجاز از وجود / ماند: ادات تشبیه /

بیان ناپایداری عشق در رامین

.....

۱۹- بی بار : بی ثمر ، بی فایده / بار، گل، برگ و خار: مراعات نظیر / گل و خار: تضاد / رفته و مانده: تضاد /

.....

۲۰- منم چون شاخ تشنه: تشبیه (من: مشبّه / چون: ادات / شاخ: مشبّه به / تشنه: وجه شبهه)

مرجع " من " ویس /

تویی همچون هوای ابر و باران: تشبیه (تو: مشبّه / همچون: ادات / هوای ابر و باران: مشبّه به)

مرجع تو : رامین / بهار و ابر و باران: مراعات نظیر / باران و بهاران: جناس ناقص اختلافی / هوای ابری و باران: هوای ابری و بارانی - اسم در معنی صفت به کار رفته است -

.....

۲۱- نگارین: معشوق و محبوب زیبارو (رامین) جان شیرین: حس آمیزی / جان بریدن: کنایه از مردن /

.....

۲۲- براندست و بماندست: جناس ناقص / صبر از دل راندن: کنایه از بی تاب و قرار کردن / مفهوم:
عشق تو سبب حیات من است. /

۲۳- تاب: گرما، حرارت / تاب و آب: جناس ناقص / آب بر آتش زدن: کنایه از خاموش کردن، فرو
نشاندن / تاب : استعاره از جدایی و نا امیدی

۲۴- وای: شبه جمله تاسّف /
یک ساعت: مجاز از یک لحظه
